

Public Oversight to Deter Financial Violations of Governance Agents With Emphasis on the Alavi Tradition

Ghodsai Fakhri-Demeshghieh¹, Reza Elhami^{2*}

1. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, faculty of theology and Islamic studies, Tabriz university, Tabriz, Iran.

2. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, faculty of theology and Islamic studies, Tabriz university, Tabriz, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 273-290

Article history:

Received: 04 Apr 2026

Edition: 27 Apr 2026

Accepted: 24 May 2026

Published online: 23 Sep 2026

Keywords:

financial violations, Imam Ali's conduct, corruption, public oversight, supervision.

Corresponding Author:

Reza Elhami

Address:

Iran, Tabriz, Tabriz university,
Department of Jurisprudence and
Fundamentals of Islamic Law,
faculty of theology and Islamic
studies.

Orchid Code:

0000-0002-2555-5745

Tel:

09144155625

Email:

r.elhami@tabrizu.ac.ir

ABSTRACT

Background and purpose: Corruption has always been one of the main factors preventing societies and institutions from achieving their desired goals and one of the fundamental obstacles to their growth and development throughout history. Therefore, the existence of a supervisor to prevent misconduct by officials and executors is essential, which has always been considered in the governance method of Imam Ali (AS). This article aims to investigate the role of public supervision in preventing financial corruption among officials in Imam Ali's conduct.

Materials and Methods: In this article, the research method is descriptive-analytical, and the data collection method is through library research.

Ethical Considerations: In writing this article, documented referencing and honesty have been considered.

Findings: Imam Ali (AS) utilized internal and external supervision in his governmental system. Internal oversight is carried out by the individual themselves over their thoughts and actions, while in external supervision the performance of the executives is supervised by other levels. External supervision itself is divided into direct and indirect.

Conclusion: Public supervision is considered one of the most important and best practical solutions for monitoring the performance of the government and officials, and it has been highly emphasized in Alawi governmental practices (AS), having a high deterrent effect in preventing misconduct and financial corruption among officials and executors.

Cite this article as:

Fakhri-Demeshghieh, G; Elhami, R. *Public oversight to deter financial violations of governance agents with emphasis on the Alavi tradition*. Economic Jurisprudence Studies. 2026.

فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۵

بازدارندگی نظارت عمومی از تخلفات مالی کارگزاران نظام حکمرانی با تأکید بر سیره علوی

قدسی فخری دمشقیه^۱، رضا الهامی^۲*

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و علوم اسلامی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و علوم اسلامی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: همواره فساد از عوامل اصلی بازماندن جوامع و نهادها از نیل به اهداف مطلوب و از موانع اساسی رشد و تکامل آنها در طول تاریخ بوده است. لذا وجود ناظر برای جلوگیری از تخلفات کارگزاران و مجریان، امری ضروری است که در سیره حکومتی حضرت علی (ع) نیز همواره مورد توجه بوده است. این مقاله در صدد است که به نقش نظارت عمومی در بازدارندگی از فساد مالی کارگزاران در سیره علوی بپردازد.

مواد و روش‌ها: در مقاله حاضر روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای است.

ملاحظات اخلاقی: در نگارش مقاله حاضر، ارجاع‌دهی مستند و امانتداری مبنا قرار گرفته است.

یافته‌ها: امام علی (ع) از نظارت درونی و نظارت بیرونی در سیستم حکومتی خود بهره می‌گرفتند. نظارت درونی توسط خود فرد بر افکار و اعمالش صورت می‌گیرد درحالی‌که در نظارت بیرونی توسط سطوح دیگر بر عملکرد مجریان نظارت می‌شود. نظارت بیرونی خود به مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می‌شود.

نتیجه: نظارت عمومی از مهم‌ترین و بهترین راهکارهای عملی نظارت بر عملکرد حکومت و کارگزاران به شمار می‌رود و در سیره حکومتی علوی (ع) بسیار مورد تأکید و دارای کارکرد بازدارندگی بالایی در جلوگیری از تخلفات و فسادهای مالی کارگزاران و مجریان بوده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۷۳-۲۹۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۱۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۵/۰۲/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

تخلفات مالی، سیره علوی، فساد، نظارت عمومی، نظارت.

نویسنده مسئول:

رضا الهامی

آدرس پستی:

ایران، تبریز، دانشگاه تبریز، دانشکده الهیات و علوم اسلامی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

تلفن:

09144155625

کد ارکید:

5745-2555-0002-0000

پست الکترونیک:

r.elhami@tabrizu.ac.ir

۱. مقدمه

انتخاب و گزینش هرچند بهترین، شایسته‌ترین، متعهدترین و متدین‌ترین افراد برای منصب‌های گوناگون حکومتی بدون اعمال نظارت مداوم بر نوع عملکرد و فعالیت آن‌ها چندان نمی‌تواند سعادت و صلاح جامعه را تضمین کند. چراکه خیلی دور از ذهن به نظر نمی‌رسد که انسان‌هایی که در ابتدا افرادی درستکار و امین بودند، بعد از تصدی قدرت و نشستن بر مسند حکومت دچار انحراف شده و به استبداد و تجاوز به حقوق مردم روی آورند. لذا اصل نظارت و مراقبت بر کارگزاران و والیان برای حفظ سلامت نظام امری لازم و بلکه ضروری است. (ملک‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۷۷) سیره‌ی سیاسی حضرت علی (ع) نیز نشانگر توجه و عنایت ویژه‌ی امام به این امر مهم و حیاتی و نظارت مداوم ایشان بر رفتار و عملکرد کارگزارانشان است. (تاج آبادی، ۱۴۰۳: ۱۵)

فعالیت اقتصادی سالم و اشتغال‌زایی برای جوانان و سرمایه‌گذاری مطمئن همگی مشروط هستند به این که سرمایه‌گذار، صنعتگر، عنصر فعال در کشاورزی و مبتکر علمی از صحت و سلامت ارتباطات حکومتی و صداقت و امانت‌داری متصدیان امور مالی و اقتصادی اطمینان خاطر داشته باشند و از احساس امنیت و آرامش برخوردار باشند. (مقدمه فرمان ۸ ماده‌ای مقام معظم رهبری، ۱۴۰۴) از این رو مهار و کنترل قدرت به عنوان یکی از مفاهیم اصلی و محوری، در طول تاریخ اندیشه‌ی حقوق اداری مطرح بوده است. (جیکسون، ۱۹۹۹: ۱۹۰) همچنین بقای نظام‌های سیاسی تا حد زیادی به سلامت اداری به عنوان بازوی اجرایی بستگی دارد. از سوی دیگر فساد

یکی از عامل‌های اصلی و کلیدی بازماندن جوامع و نهادها از دستیابی به اهداف مطلوب و یکی از موانع اساسی و بنیادی در مسیر رشد و تکامل آن‌ها به شمار می‌آید. بدین جهت همواره کسانی که به دنبال سلامت نظام اجتماعی بشر و رشد و تکامل آن بوده‌اند، پیوسته در تلاش برای پیشگیری و مبارزه با فساد تلاش می‌کردند، پیامبران و اولیای الهی و از جمله حضرت علی (ع) نیز در این مورد نقش بسیار به سزایی داشتند و مبارزه با فساد و اقامه‌ی قسط و عدل در جامعه را سرلوحه‌ی برنامه‌های تبلیغاتی و سیره‌ی عملی خود قرار داده بودند و در این مسیر فداکاری‌ها و جان‌نثاری‌های بسیاری از خودشان نشان داده‌اند. (حقیقی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲) اعمال نظارت بر کارگزاران از جانب مردم، ابزاری مهم و کلیدی در جهت مبارزه با فساد و بهبود حکمرانی است چراکه با ایجاد امکان دسترسی به اطلاعات برای عموم جامعه چشمان بیش‌تری می‌توانند بر افشای مالی مسئولین نظارت کنند و بدین ترتیب سازمان‌های جامعه‌ی مدنی می‌توانند به نهادهای دولتی در تضمین صداقت و اعتبار داده‌ها کمک کنند. از جهتی در دسترس عمومی بودن اطلاعات می‌تواند بر اثر بازدارنده‌ی سیستم افشا بیفزاید. چراکه هیچ بازدارنده‌ی بهتری از افزایش احتمال دستگیری و مجازات برای متخلفین و مجرمین وجود ندارد. همچنین دسترسی عمومی، تشخیص تخلفات، جرایم، نراستی‌ها و بی‌نظمی‌ها را تسهیل می‌کند و به علاوه می‌تواند سطحی از شرم‌ساری عمومی را برای متخلفین ایجاد کند. (نجارزاده اهری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۴ و ۱۵) همچنین با فراهم شدن سازوکارهای نظارت مردمی، اعتماد

۴. یافته‌ها

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که امام علی (ع) از نظارت درونی و نظارت بیرونی در سیستم حکومتی خود بهره می‌گرفتند. یافته‌ها حاکی از آن است که نظارت درونی توسط خود فرد بر افکار و اعمالش صورت می‌گیرد، درحالی‌که در نظارت بیرونی که یکی از عناصر اساسی و حیاتی مدیریت در همه سیستم‌ها است، توسط سطوح دیگر بر عملکرد مجریان و کارگزاران حکومت نظارت می‌شود. نظارت بیرونی خود به نظارت مستقیم و نظارت غیر مستقیم تقسیم می‌شود. در نظارت مستقیم هیچ‌گونه واسطه‌ای در امر نظارت بر کار دستگاه‌ها و فعالیت‌های آن‌ها وجود ندارد و از ریزترین تا درشت‌ترین مسائل و مراحل گوناگون نظارت همگی شخصاً توسط مدیر انجام می‌شود. همچنین یکی دیگر از اقسام نظارت بیرونی، نظارت غیر مستقیم است که مدیر از طریق واسطه‌ای به امر نظارت بر کارگزاران می‌پردازد از این رو به آن نظارت با واسطه نیز گفته می‌شود. مطالعه نشان می‌دهد که نظارت عمومی یکی از راهکارهای نظارت غیر مستقیم است که حضرت علی (ع) در سیره حکومتی خود بر آن تأکید ویژه داشتند چراکه تأثیر به سزایی در سلامت جامعه و بازدارندگی از فساد دارد. پیش شرط این نظارت در دسترس عموم قرار دادن اطلاعات است. قابلیت دسترسی عمومی می‌تواند موجب تقویت بررسی دقیق شود. چرا که با ایجاد امکان دسترسی به اطلاعات برای عموم جامعه چشمان بیش‌تری می‌توانند بر افشای مالی مسئولین نظارت کنند و بدین ترتیب سازمان‌های جامعه مدنی می‌توانند به نهادهای دولتی در تضمین صداقت و اعتبار داده‌ها کمک کنند. به علاوه، در دسترس بودن عمومی می‌تواند بر اثر بازدارنده سیستم افشا بیفزاید. چرا

شهروندان به حکومت افزایش می‌یابد و زمینه‌ی مشارکت آن‌ها در مسائل گوناگون اجتماعی و حکومتی فراهم می‌گردد. (قلی‌پور، ۱۳۸۴: ۱۲۳)

مقاله‌ی حاضر به بررسی این سؤال می‌پردازد که در سیره‌ی علوی نظارت عمومی چه نقشی در بازدارندگی کارگزاران از تخلفات مالی داشته است. هدف اصلی این مطالعه تحلیل اقسام نظارت از جمله نظارت مردمی در سیره‌ی علوی و تأثیر آن بر فساد مالی کارگزاران است. روش تحقیق در مقاله‌ی حاضر توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات، اسنادی و کتابخانه‌ای است. با وجود این که قبلاً تحقیقاتی در این زمینه صورت گرفته است، در خصوص حدود نظارت عمومی خلأهایی وجود دارد که این تحقیق بدان می‌پردازد.

۲. ملاحظات اخلاقی

در نگارش مقاله حاضر، اصول و قواعد اخلاقی از جمله ارجاع‌دهی، استفاده دقیق و علمی از منابع در دستور کار قرار گرفته است.

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات در مقاله حاضر کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات معتبر فقهی و حقوقی انجام شده است و سیره حضرت علی (ع) به عنوان محور اصلی تحلیل مورد بررسی قرار گرفته است. روش پژوهش در این تحقیق شامل مطالعه تطبیقی روایات و اسناد تاریخی مرتبط با شیوه‌های نظارتی در سیره حکومتی حضرت علی (ع) می‌باشد.

که هیچ بازدارنده بهتری از افزایش احتمال دستگیری برای متخلفین و مجرمین وجود ندارد. در واقع شفافیت و در دسترس عموم قرار دادن اطلاعات به دو طریق از میزان وقوع فساد مالی توسط کارگزاران حکومت می‌کاهد: اولین عامل بازدارنده، احساس روانی کارگزاران و ترس آن‌ها از قضاوت شدن توسط افکار عمومی در صورت آگاهی یافتن شهروندان از تخلفات آن‌ها است و دوم آن‌ها که حتی در صورتی که شخص کارگزار چندان نگران سوء شهرت خویش نباشد زمانی که بداند اطلاع یافتن شهروندان موجب می‌شود که بهای اعمالش را بپردازد، عملکرد خود را اصلاح می‌کند. نتایج تحقیق همچنین مشخص کرد که حاصل تحقق نظارت عمومی، افزایش بازدهی و کارایی در تمامی سطوح نظام سیاسی، تحقق برکت‌های بی‌شمار اجرایی و کاری، افزایش چشم‌های ناظر به فساد کارگزاران و مجریان حکومت، کمک به نهادهای دولتی در تضمین صداقت و اعتبار داده‌ها، تسهیل تشخیص و شناسایی تخلفات، ایجاد سطحی از شرم‌ساری عمومی برای متخلفان و مجرمان، محدود شدن میدان برای فساد متخلفین و افزایش اثر بازدارندگی سیستم افشا از طریق ایجاد ترس از قضاوت و هراس از مجازات در قانون شکنان و متخلفان می‌باشد.

۵. بحث

در این قسمت به بحث در مورد موضوع می‌پردازیم.

۵-۱. مفهوم‌شناسی نظارت

نظارت در اصل یک واژه‌ی عربی می‌باشد که از ریشه‌ی «نظر» اخذ شده و معنای آن نگاه توأم با تأمل و اعتبار می‌باشد و غالباً در معنای حاصل مصدر خود یعنی رأی صادره از ناظر استعمال

می‌شود. (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ۱۴) نظارت در لغت‌نامه‌ی دهخدا به معنای نگرستن، پاییدن و مراقبت کردن، سرکار و مباشر شدن و ناظری کردن آمده (دهخدا، ۱۳۹۰، ج ۲: ۳۰۵)، و در فرهنگ نفیسی به «دیدبانی به سوی چیزی و مراقبت و در تحت نظر گرفتن و دیده بانی داشتن کاری و حراست و مباشرت» معنی شده است. (فرهنگ نفیسی، ۱۳۴۳، ج ۵: ۳۷۲۷) همچنین این کلمه به عمل ناظر نیز معنا شده و در اصطلاح، ناظر به کسی اطلاق می‌گردد که بر کار دیگری نظارت می‌کند به این منظور که عمل او به طرز صحیح انجام گیرد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ج ۵: ۳۶۵۰ و ۳۶۰۳)

نظارت در اصطلاح به مجموعه عملیاتی اطلاق می‌گردد که با هدف حصول اطمینان از انطباق نتایج به دست آمده از عملکرد افراد با اهداف مطلوب و از طریق ارزیابی میزان انطباق و هماهنگی عملکرد آن‌ها با قوانین و مقررات انجام می‌شود. (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱: ۳۱) در حقوق اساسی نیز به بررسی و ارزشیابی کارها و اقدامات انجام شده یا در حال انجام و تطبیق دادن آن‌ها با تصمیم‌های گرفته شده و قوانین و مقررات با هدف ممانعت از انحراف اشخاص را نظارت گویند. (قاضی، ۱۳۸۳: ۳۵۲)

به اختصار در مفهوم حقوقی نظارت به بازرسی، سنجش و ارزیابی اقدامات مجریان تعبیر شده و ناظر نیز به کسی گفته می‌شود که به منظور این بازرسی و سنجش تعیین می‌گردد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ۱۵)

منظور راهنمایی و هدایت افراد به رعایت نمودن قوانین، اصول، کارکردها و ارزش‌های پذیرفته شده به کار گرفته می‌شوند، اطلاق می‌شود. (ایزدهی، ۱۳۹۰: ۷)

۵-۲. اقسام نظارت در حکومت علوی

به طور کلی می‌توان نظارت را بنابر دیدگاهی به نظارت درونی و نظارت بیرونی تقسیم بندی کرد. از بررسی سخنان امام علی (ع) و به ویژه نامه‌های آن حضرت در نهج البلاغه روشن می‌شود که ایشان از هر دو شیوه‌ی مذکور در امر نظارت استفاده می‌کردند. (موحدی محب و جهانگیری، ۱۳۹۵: ۴۶)

۵-۲-۱. نظارت درونی

در نظارت درونی یا خود نظارتی، انسان بر خود، افکار و اعمال و افعالش نظارت می‌کند و این نظارت از درون وجود فرد می‌جوشد و در واقع ناظر همان مجری است. (جوان آراسته، ۱۳۸۸: ۱۸۳) نظارت درونی در واقع حالتی در وجود فرد است که موجب می‌شود نسبت به انجام وظایفش متمایل و علاقه‌مند گردد بدون آن که تحت کنترل عاملی خارجی باشد. (نبوی، ۱۳۷۷: ۲۰۹) امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «از خودت مراقبی بر خویشتن قرار بده.» (آمدی، ۱۳۶۸: ۱۴۴، ح ۴۵۲۵۹۴؛ خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲: ۲۱۹، ح ۲۴۲۹)

۵-۲-۲. نظارت بیرونی

مهم‌ترین عامل استفاده از این شیوه، ضرورت پیشگیری و ممانعت از انحراف از اهداف و حصول اطمینان از صحت حرکت تمامی عوامل جامعه یا سازمان در جهت اهداف تعیین شده است. این نوع از نظارت از جمله مهم‌ترین موضوعات و مسائلی

به طور کلی مجموعه نظریات گوناگونی که در تعریف نظارت ارائه شده‌اند همگی وجه مشترکی دارند و نظارت را نوعی اطلاع و آگاهی از آنچه که در حال وقوع است، دانسته‌اند. به عبارتی دیگر نظارت یک مقایسه‌ی ضمنی بین آنچه که هست و آنچه که باید باشد و نیز اطلاع از انجام اموری که در جهت نیل به هدف مطلوب لازم است، می‌باشد. (ایزدهی، ۱۳۹۰: ۶)

۵-۱-۱. تفاوت نظارت با کنترل و ارزیابی

با وجود این که گاهی مفاهیمی همچون ارزیابی و کنترل، مشابه مفهوم نظارت در نظر گرفته شده و در بسیاری از حالات در کنار آن استعمال می‌شوند، نظارت با ارزیابی تفاوت دارد. در نظارت آنچه که مورد توجه است بازرسی تخلفات و جرایم عاملین و کارگزاران در یک سازمان یا غیر سازمان می‌باشد درحالی‌که در ارزیابی هدف نهایی مشخص کردن چیزی است که در پایان یک برنامه عاید شرکت کنندگان خواهد شد و نیز احراز مهارت‌ها و نگرشی است که آن‌ها کسب می‌کنند و بازخورد آن به متولیان امر منعکس می‌گردد. در مجموع مفهوم ارزیابی گسترده‌تر از مفهوم نظارت است. (بهادری، ۱۳۸۹: ۲۵)

نظارت و کنترل نیز علی‌رغم نزدیکی معنایی که دارند و با وجود شباهت‌ها، با یکدیگر متفاوت هستند. نظارت در بعد حقوقی و فلسفه سیاسی استعمال می‌گردد اما کنترل در حوزه مدیریت به کار بسته می‌شود و شکل عملی به خود می‌گیرد. از این رو است که کنترل به مجموعه شیوه‌ها و تدابیری که یک فرد، جامعه و یا گروه را در دستیابی و نیل به اهداف یاری می‌کنند و به

۱-۲-۲-۵. نظارت مستقیم بر عملکرد

کارگزاران

یکی از جنبه‌های مهم نظارت مستقیم در سیره حکومتی امام علی (ع)، حسابرسی و دریافت گزارش عملکرد از مدیران به صورت منظم بود. حضرت از این طریق بر عملکرد کارگزاران خود اشراف داشت و چنانچه بعضی از آن‌ها در گزارش‌دهی کوتاهی می‌کردند با واکنش سریع امام روبه‌رو می‌شدند. به عنوان نمونه می‌توان به نامه‌ی امام علی (ع) به یزید بن قیس ارجبی اشاره کرد:

«تو در ارسال اموال مالیاتی کوتاهی کرده‌ای دلیل این امر بر من پوشیده است ولی من تو را به تقوای الهی سفارش می‌کنم و از اینکه با خیانت به مسلمانان، پاداشت را تباہ و جهاد خود را بی اثرسازی بر حذر می‌دارم.» (یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۲۰۰)

۱-۲-۲-۵. نظارت بر بازار

بر اساس روایت‌های متعدد، نظارت مستقیم بر بازار یکی از رکن‌های اصلی سیاست‌های اقتصادی حضرت علی (ع) بود و ایشان در فرصت‌های مناسب شخصاً در بازار حضور می‌یافتند و به نظارت بر معاملات و رفتار اصناف می‌پرداختند. در این باره احمد بن حنبل از عقبه بن ابی الصهباء ابو خریم باهلی چنین نقل می‌کند:

«علی بن ابیطالب را در کناره علفزاری دیدم که از قیمت‌ها می‌پرسید.» (شیبانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۵۴۷) با توجه به این که گرانی اجناس آثار سوء اجتماعی و روانی به دنبال دارد، نظارت بر قیمت‌ها در سیره علوی بسیار مورد

است که در طول تاریخ جوامع بشری همواره توجه حقوقدانان و مصلحان اجتماعی و فرهنگی را به خود جلب کرده است. در واقع نظارت بیرونی یکی از عناصر اساسی و حیاتی مدیریت در همه‌ی سیستم‌ها است. (اسکندری و دارابکلایی، ۱۳۸۳: ۳۰۷)

در نظارت بیرونی از سوی شخص یا مقام یا سازمانی بر اعمال شخص یا مقام یا سازمان دیگری نظارت صورت می‌گیرد. (جوان آراسته، ۱۳۸۸: ۱۸۳) یعنی ناظر، مجری عملیات نیست و از سطوح دیگر بر عملکرد مجریان نظارت می‌شود.

در این شیوه از نظارت حضرت علی (ع) در سیستم اداری خود جهت نظارت بر مدیران از دو شیوه‌ی نظارت مستقیم و نظارت غیر مستقیم استفاده نموده است. به این روش، نظارت ترکیبی اطلاق می‌شود و می‌توان گفت که طراح آن خود حضرت علی (ع) بوده است. (موحدی محب و جهانگیری، ۱۳۹۵: ۴۸)

۱-۲-۲-۵. نظارت مستقیم

در نظارت مستقیم هیچ‌گونه واسطه‌ای در امر نظارت بر کار دستگاه‌ها و نوع فعالیت‌های آن‌ها وجود ندارد و از ریزترین تا درشت‌ترین مسائل و مراحل گوناگون نظارت همگی شخصاً توسط مدیر انجام می‌شود. (تقوی دامغانی، ۱۳۷۹: ۹۵) از این رو به آن نظارت بی‌واسطه نیز اطلاق می‌شود. نظارت بر عملکرد کارگزاران و نظارت بر بازار نمودهایی از نظارت مستقیم آن حضرت بود.

م شخص می‌گردد که امیرالمؤمنین (ع) تا چه حد بر بازار اقتصادی جامعه نظارت مستقیم داشتند.

۵-۲-۲-۲. نظارت غیر مستقیم

یکی از اقسام نظارت بیرونی، نظارت غیر مستقیم است که مدیر از طریق واسطه‌ای به امر نظارت بر کارگزاران می‌پردازد از این رو به آن نظارت با واسطه نیز گفته می‌شود. امام علی (ع) از سه طریق به نظارت غیر مستقیم بر کارگزاران می‌پرداختند:

۵-۲-۲-۲-۱. نظارت غیر مستقیم رسمی

به دلیل گستردگی قلمروی حکومتی، امکان نظارت مستقیم آن حضرت وجود نداشت و لذا وجود سیستمی کارآمد برای نظارت و بازرسی امری لازم بود. امام علی (ع) در مواردی والی یک منطقه را مأمور نظارت و بازرسی می‌کرد. به عنوان مثال ایشان طی دستوری به مالک ابن کعب ارحبی -والی عین التمر- مأموریت داد تا به همراه گروهی از مأموران خویش به بازرسی منطقه‌ی وسیعی بپردازد:

«کسی را به جانشینی خویش منصوب کن و با گروهی از یارانت به سوی منطقه‌ی کوره السواد حرکت کن و از عملکرد کارگزارانم در نواحی بین دجله و غریب پرسش کن و بررسی دقیقی از وضعیت آن‌ها به عمل آور.» (یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۲۰۴)

۵-۲-۲-۲-۲. نظارت غیر مستقیم پنهانی و

غیر رسمی

مراقبت دائم بر کارگزاران و مأموران دولتی ضروری است. عقلاً و شرعاً صرف تعیین و واگذاری پست‌ها

تأکید حضرت علی (ع) بود. امام صادق (ع) در خصوص آثار منفی گرانی چنین می‌فرماید: «گرانی قیمت‌ها، بدخلقی (و مشکلاتی روانی) می‌آورد، امانت‌داری را از بین می‌برد و مسلمان را آزار می‌دهد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۹۹)

همچنین در مورد نظارت مستمر ایشان بر بازار اینگونه نقل شده که علی (ع) به بازار می‌آمد و می‌فرمود: «ای بازاریان تقوای الهی پیشه کنید و از سوگند بپرهیزید! چرا که سوگند خوردن هر چند کالایتان را به فروش می‌رساند ولی برکت را می‌برد. تاجر فاجر و گنهکار است مگر آن کس که حق را بگیرد و بدهد (روی موازین حق معامله کند)» و بعد از چند روز باز در دیدارشان از بازار، همین سخنان را بازگو می‌کردند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳: ۲۵۰)

امام باقر (ع) نیز در خصوص نظارت مستقیم ایشان چنین فرموده است: «علی علیه السلام هر روز به بازار کوفه می‌آمد، در حالی که تازیانه بر دوش خود می‌گذاشت و از بخش‌های مختلف بازار بازدید می‌کرد. آن حضرت کنار هر قسمتی از بازار می‌ایستاد و می‌فرمود: یا معشر التجار... و آنها را نصیحت می‌کرد» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵: ۱۵۱، ح ۳)

در روایات مربوطه نیز چنین آمده است که گاهی ایشان برای فروشندگان خاص نیز دستورات ویژه‌ای صادر می‌کردند. به عنوان مثال مطابق روایتی آن حضرت به قصابان چنین فرمود: «ای قصابان! هر کس از شما که در گوشت بدمد (تا فربه جلوه کند) از ما نیست.» (مجلسی، ج ۱۰۰: ۱۰۲، ح ۴۵) با استفاده از تمامی این روایات

به وزیران، امیران و فرماندهان نظامی، کارگزاران و کارمندان اداری و مسئولان مؤسسات برای تدبیر و اداره امور به صورت کاملاً مطلوب کافی نیست. هر چند که همه این افراد قبل از واگذاری مسئولیت، از میان اشخاص متعهد و متدین گزینش شده باشند، و دارای شرایط مطلوب از نظر عرف و شرع و همچنین دارای اهلیت لازم باشند. عقل و شرع چنین حکم می‌کند که افزون بر احراز وجود شرایط و اوصاف معتبر و اهلیت لازم، یک مراقبت و نظارت پنهانی نیز بر رفتار و اعمال کارگزاران و مسئولان کشوری و لشکری، نحوه انجام وظیفه و شیوه برخورد و رفتار با مردم و مراجعه کنندگان نیز وجود داشته باشد. (منتظری، ۱۳۶۷، ج ۴: ۳۰۹)

چراکه همواره نفس آدمی او را به سوی بدی‌ها می‌کشاند (یوسف: ۵۳) و انسان همیشه در معرض خطا و نسیان قرار دارد و امکان دارد که حس طمعکاری و زیاده‌خواهی‌اش بر او چیره شود. یک منشأ دیگر که ضرورت مراقبت و نظارت دائمی و پنهانی بر اعمال و رفتار مسئولان را آشکار می‌سازد این است که معمولاً صاحبان قدرت دچار خود پسندی و استبداد رأی می‌گردند و در نتیجه ضعفا و مستضعفین را تحقیر می‌کنند و با آن‌ها با بی‌اعتنائی رفتار می‌کنند و کاملاً واضح است که این بر خلاف مقاصد و اهداف عالی اسلام و حکومت اسلامی است. بنابراین لازم و ضروری است که همه کارگزاران و مأمورین دولتی، به صورت پنهانی مورد مراقبت مستمر و دائمی قرار بگیرند، و برای نظارت بر اعمال آنان مأموران مخفی گماشته شود. به این مأموران مخفی در اصطلاح احادیث شیعه «عین» - چشم - گفته می‌شود. حضرت علی (ع) از «عیون» یا همان

مأموران مخفی جهت نظارت و بازرسی بهره می‌گرفتند (منتظری، ۱۳۶۷، ج ۴: ۳۰۹ و ۳۱۰) و همچنین به والیان خود دستور می‌دادند تا افرادی صادق و امین را جهت نظارت بر کارگزارانشان بگمارند. برای نمونه ایشان در نامه‌ای به مالک اشتر چنین می‌نویسند:

«سپس بر رفتار و کردار آنان مراقبت کن، و مراقبین و گزارشگرانی مخفی از افراد راستگو، با وفا و متعهد بر آنان بگمار؛ چون مراقبت و بازرسی سری تو درباره آنان، آنها را وادار می‌کند و انگیزه می‌دهد که در منصب خودشان به عنوان یک امانت نگریسته و کارآیی بیشتری به خرج دهند، و با مردم به خوبی و مهر بانی رفتار نمایند. از دوستان و یاران نیز [در این قبیل مسائل] پرهیز کن [و وساطت آنان را در این مسائل مپذیر]. پس اگر بازرسان و گزارشگران مخفی تو متفق بودند بر اینکه یکی از کارگزارانت، دست خود را به خیانت آلوده، به همان گزارش‌ها اکتفا کن و دنبال شاهد و گاه دیگری مرو، و بر آن اساس، کارگزار خائن را در برابر عمل ناشایستش مؤاخذه کن و او را کیفر بدنی بده، و سپس بی‌مقدار و خوارش بگردان، و ننگ اتهام و بدنامی را همچون طوق آویزه گردنش ساز [تا دیگران عبرت بگیرند. (نامه ۵۳؛ فیض الاسلام اصفهانی، ۱۳۷۹، ج ۵: ۱۰۱۱)]

همچنین در یک گزارش چنین آمده است که امام، ابوالاسود دوئلی را به منصب قضاوت گماشتند ولی در ساعات ابتدایی همان روز وی را از این سمت عزل نمودند. ابوالاسود با شتاب نزد حضرت آمد و عرض کرد: «به خدا سوگند نه خیانتی کرده‌ام و نه فریب خورده‌ام چرا مرا برکنار

کردید؟» امام در پاسخ به وی چنین فرمودند: «به من گزارش شده که هنگام داوری صدایت از صدای دادخواهان بلندتر بوده است!» (شوشتی، ۱۴۰۹ق، ج ۸: ۵۴۸).

همچنین شاهد دیگری بر این مطلب نامه‌ای است که امیر المؤمنین (ع) خطاب به فرماندار خود، ابن عباس، چنین نوشته اند: «أما بعد، فقد بلغنی عنک أمر، إن كنت فعلته فقد أسخطت ربک و عصیت إمامک و أخزیت أمانتک. بلغنی أنك جرّدت الأرض فأخذت ما تحت قدمیک و آکلت ما تحت یدیک؛ فارع إلیّ حسابک: درباره تو خبری به من رسیده است که اگر صحت داشته باشد و براستی تو آن کار را انجام داده باشی، در آن صورت پروردگارت را به خشم آورده، و امامت را نافرمانی کرده، و در امانت خیانت نموده‌ای! به من گزارش رسیده است که تو [دست به اختلاس زده و] زمین را لخت ساخته، و آنچه را که زیر پایت بوده برگرفته، و آنچه در دست داشته خورده‌ای. پس حسابت را برای من بفرست...» (نامه ۴۰).

گواه دیگر بر این مطلب در نامه دیگری است که امیر المؤمنین (ع) آن را خطاب به «مصقلة بن هبیره» فرماندار شهر «اردشیرخره» [فیروزآباد کنونی] نگاشته است: «بلغنی عنک أمر ان كنت فعلته فقد اسخطت الهک و أغضبت إمامک: إنک تقسم فیء المسلمین الذی حازته رماهم و خیولهم، و اریقت علیه دمائهم فی من أعتامک من اعراب قومک: درباره تو خبری به من رسیده است که اگر صحت داشته باشد و به راستی تو آن کار را انجام داده باشی، در آن صورت پروردگارت را به خشم آورده و امامت را نافرمانی کرده‌ای. آن خبر

این است که تو، فیئ و مال مسلمین را که آن را در سایه جهاد و با سرنیزه و تاختن اسبان و ریخته شدن خون‌هایشان به دست آورده‌اند، در بین یاران خاص خود و اطرافیان تقسیم می‌کنی...» (نامه ۴۳).

نکته‌ی لازم توجه این است که در ابتدای بسیاری از نامه‌های امام به کارگزاران عباراتی همچون «بلغنی» (به من خبر رسیده است که تو) آمده است (قرشی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰: ۴۳) که نشانگر نظارت کارگزاران توسط مأموران گمارده شده توسط حضرت می‌باشد.

در خصوص مسئولیت نظارت در امور اقتصادی و داد و ستد و تجارت، حضرت علی (ع) ضمن این که مالک اشتر را به نیکی و محبت نسبت به بازرگانان و صنعت‌گران و تعریف و تمجید از کوشش‌های آنان و رسیدگی به امور آنها توصیه می‌کند، چنین می‌فرماید:

«با وجود این بدان! بسیاری از آنان مردمی تنگ‌نظر، و سخت بخیل‌اند، احتکار می‌کنند، و به دلخواه خود بر کالای مردم قیمت می‌گذارند و با این عمل به توده مردم زیان می‌رسانند و سبب عیب و ننگ والیان می‌شوند». (نامه ۵۳)

۵-۲-۲-۳. نظارت عمومی

افزون بر بازرسی‌های نظاممند و دقیقی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم توسط نیروهای ویژه‌ی حکومتی انجام می‌گرفت، امام علی (ع) به واسطه‌ی گزارش‌های مردمی نیز که به طور مستقیم، حضوری یا مکاتبه‌ای به دست ایشان می‌رسید، از عملکرد مدیران اطلاع می‌یافت. در سیره‌ی حکومتی امام علی (ع) مردم به عنوان

بهترین ناظر بر رفتار و عملکرد کارگزاران تلقی می‌شوند. هدف از نظارت مردم بر دولتمردان محدود کردن قدرت آنان و وادار نمودن آن‌ها به عمل در چهارچوب قانون است. (جعفری، ۱۳۸۸: ۱۱۸) امیرالمؤمنین (ع) در مورد نظارت مردم بر عملکرد کارگزاران به مالک اشتر چنین گوشزد می‌کند:

«...پس ای مالک بدان! من تو را به سوی شهرهایی فرستادم که پیش از تو دولت‌های عادل یا ستمگری بر آن حکم راندند، و مردم در کارهای تو چنان می‌نگرند که تو در کارهای حاکمان پیش از خود می‌نگری، و در باره‌ی تو آن می‌گویند که تو نسبت به زمامداران گذشته می‌گویی...» (نامه ۵۳)

ایشان همواره در تلاش بودند مردم را به امر نظارت بر حکومت تشویق نمایند. ایشان در تشویق مردم به نظارت بر کارهای خود، چنین می‌فرمودند: «به طور منافقانه و سازش با من رفتار نکنید و گمان نکنید در مورد حقی که به من پیشنهاد می‌شود کندی ورزم، یا در پی بزرگ ساختن خویش باشم؛ زیرا کسی که شنیدن حق و یا عرضه عدالت به او برایش مشکل باشد عمل به آن دو برایش مشکل‌تر است؛ پس از گفتن سخن حق و یا مشورت عدالت‌آمیز خودداری نکنید، زیرا من [شخصاً به عنوان یک انسان] خویش را فوق اشتباه و خطا نمی‌پندارم و از آن در کارم ایمن نیستم، مگر این که خدا مرا به قدرت خویش حفظ نماید.» (خطبه ۲۱۶)

امام علی (ع) نه تنها در مرحله‌ی تئوری نظارت را حق مسلم مردم می‌دانستند بلکه در مرحله‌ی

عمل نیز به گزارشات و شکایات مردم رسیدگی می‌کردند، لذا وقتی مردم قبیله‌ی بنی تمیم به حضرت گزارش دادند که کارگزار او -ابن عباس- بر ایشان سخت‌گیری می‌کند، ایشان طی نامه‌ای ابن عباس را از این کار باز داشتند. همچنین امام علی (ع) بعد از اقامه‌ی نماز در مسجد، زمانی را جهت نزدیک شدن مردم برای طرح شکایات‌ها و گزارش تخلفات کارگزاران اختصاص داده بودند. به علاوه ایشان مکانی را با عنوان بیت المظالم جهت رسیدگی به دعاوی و شکایات‌های مردمی از دولت و مأموران تأسیس کرده بودند که در واقع دادگاهی بود که منحصراً به گله و شکایات‌های مردم از دولت و کارگزاران رسیدگی می‌کرد. (ذاکری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴)

امام علی (ع) برای مردم به طور عموم و برای آگاهان و عالمان در جامعه به طور خاص، نقش ویژه‌ای در موعظه کردن و مشاوره دادن به حاکمان قائل بودند و حتی آن را یک وظیفه برای آنان می‌دانستند که با بیان نمودن حقایق به اصلاح ساختار حکومتی کمک نمایند و از ایجاد انحراف در مسیر حکومت مردم سالار دینی جلوگیری نمایند. (ذاکری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴)

بنابراین وظیفه توده‌های مردمی این است که بر نظام اقتصادی نظارت مستمر داشته باشند و با دادن تذکر و گزارش‌دهی از وقوع مواردی مثل اجحاف، احتکار، غش و هر چیزی که منجر به تضعیف سیستم اقتصادی می‌گردد، جلوگیری کرده و ممانعت به عمل آورند. امام علی بن موسی الرضا (ع) درباره لزوم نظارت بر مردم می‌فرماید: «زمانی که مردم به کاری ممنوع دست زدند و هر

کس هر چه دلش خواست بدون مراقبت و نظارت کسی انجام داد، در این صورت مردم همگی دچار تباهی و فساد می‌شوند». دلیل لزوم نظارت عمومی «وجوب امر به معروف و نهی از منکر» و «لزوم همکاری با دولت اسلامی» است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۳۰۶) چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: «وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ... : مردان و زنان با ایمان دوست و یار یکدیگرند؛ همواره به کارهای نیک و شایسته فرمان می‌دهند و از کارهای زشت و ناپسند باز می‌دارند...». (توبه: ۷۱)

لازم به ذکر است که این نظارت و امر به معروف و نهی از منکر در حدّ تذکر دادن به افراد و در صورت لزوم، اطلاع رسانی به حکومت می‌باشد. مردم حکومت اسلامی وظیفه دارند که بر تکاپوی بازاریان و سیستم اقتصادی جامعه نظارت کرده و به امر و نهی آن‌ها در محدودای مجاز بپردازند و به هیچ وجه نباید از این محدوده تجاوز کنند و مراتبی از امر و نهی که نیازمند برخورد جدی و اعمال مجازات و تنبیه است، باید به مراجع ذی‌صلاح گزارش گردد و مردم مستقیماً به مجازات و تنبیه متخلفین نمی‌پردازند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۳۰۶ و ۳۰۷)

۱-۳-۲-۲-۵. تأثیر نظارت عمومی بر

سلامت جامعه

بنیان هر جامعه‌ای بر اعضای آن جامعه مبتنی است و فقدان رضایت جامعه از عملکرد دولت و نظام سیاسی موجود می‌تواند در نهایت منتهی به ایجاد تغییرات اساسی و اصلاحات بنیادین در آن جامعه بشود. (نیای و مرتضی نجابت خواه، ۱۴۰۱:

۲) لذا می‌توان چنین گفت که نظارت عمومی از مهم‌ترین و بهترین راهکارهای عملی نظارت بر عملکرد حکومت و کارگزاران به شمار می‌رود (تاج آبادی، ۱۴۰۳: ۱۱) چراکه نحوه عملکرد این نظارت، بیرونی و خارج از دولت می‌باشد بدین جهت می‌تواند جدای از هرگونه تعصب بر نحوه عملکرد دولت، متصدیان و مسئولین آن نظارت کند. با وجود دیرپای بودن، این نظارت می‌تواند در نهایت منجر به ایجاد تغییرات اساسی در عملکرد دولت و حرکت آن در مسیر دستیابی به اهدافی معین گردد. عمدتاً هدف این نوع نظارت شفاف‌سازی اقدامات حکومت و ارتقای فرهنگ عمومی جامعه است. (راسخ، ۱۳۹۰: ۳۳-۳۴؛ نیای و مرتضی نجابت خواه، ۱۴۰۱: ۲)

تمامی رفتارها و سیاست‌های دولت می‌تواند به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر سرنوشت جامعه و اعضای آن تأثیر بگذارد. بنابراین نظارت اعضای جامعه و شهروندان بر اقدامات دولت و مطالبه شفافیت، پاسخگو و مسئولیت پذیر بودن دولت امری طبیعی است که منجر به حرکت دولت در مسیر صحیح و پیشرفت جامعه و کشور می‌شود. (هاشمی، ۱۳۹۱: ۴۵۷-۴۵۸؛ نیای و مرتضی نجابت خواه، ۱۴۰۱: ۲)

از دیدگاه اسلام در اداره‌ی امور در سطح عموم جامعه، مردم و در سطح خاص سازمان‌ها، مشتریان و کارکنان دارای نقشی اساسی و کلیدی هستند. در نظام سیاسی و در نظام اداری، تحقق مدیریت منوط به مردم است و در صورت فقدان اقبال و رأی آن‌ها، نظام مقبولیت و فعلیت نمی‌یابد. درست اداره شدن و سلامت نظام نیز وابسته به حضور و مشارکت همه جانبه مردم

جنگ (که قطعاً باید پوشیده بمانند) و یا این که کاری را مگر آنجا که حکم شرع در کار باشد بدون در نظر گرفتن خواست و نظر شما انجام ندهم.» (نامه ۵۰)

بنابراین امام، شفافیت و آگاهی مردم از امور کشور را حق مسلم آنها می‌دانست و سیاست حکمرانی خویش را بر اساس آن بنا می‌نهاد. چرا که مردم را صاحبان اصلی حکومت می‌دانست و لذا والیان و زمامداران و کارگزاران که در جایگاه خادم مردم بودند را موظف به رعایت شفافیت و اطلاع رسانی به مردم می‌کرد. (تاج آبادی، ۱۴۰۳: ۱۷)

نظارت عمومی که در معارف اسلامی و سیره‌ی علوی با عنوان امر به معروف و نهی از منکر به روشنی و فراوانی بر آن تأکید شده است، وظیفه‌ای خطیر است که کسی از آن معذور نیست و هیچگونه بهانه و سهل انگاری و فرار از مسئولیت یا عجز و جهل نمی‌تواند مانع از انجام آن شود و حاصل تحقق آن، افزایش بازدهی و کارایی در تمامی سطوح نظام سیاسی و برکت‌های بی‌شمار اجرایی و کاری است. (اخوان کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۱)

در واقع پایه و اساس امر به معروف و نهی از منکر به رسمیت شناخته شدن نوعی نظارت عمومی می‌باشد. (جعفریان، ۱۳۸۷: ۲۲۶)

امام باقر (ع) در مورد آثار و فواید امر به معروف و نهی از منکر چنین می‌فرمایند: «با امر به معروف و نهی از منکر، کسب‌ها حلال و از ستم‌ها پیش‌گیری می‌شود، زمین آباد و از دشمنان دادخواهی می‌گردد». (کلمینی، ۱۳۶۳، ج ۵: ۵۶، ح ۱)

بنابراین به وسیله امر به معروف و نهی از منکر و نظارت همگانی و عمومی نه تنها می‌توان از ظلم و اجحاف در حوزه‌های گوناگون از جمله

می‌باشد. در نتیجه مردم اعم از شهروندان و ارباب رجوع دارای نقشی ایجاد، ابقایی و اصلاحی هستند و تحقق اداره‌ی اسلامی و همچنین سامان، صلاح و استحکام و پابرجایی آن همگی به مردم برمی‌گردد. (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۱۱۱)

امیرالمؤمنین (ع) نه تنها شکل‌گیری زمامداری امور، بلکه سامان یافتن آن را نیز به استقامت مردم وابسته می‌دانست: «و والیان به صلاح و سامان نیایند مگر به راستی و درستی مردمان.» (خطبه ۲۱۶)

بدین جهت است که امیرالمؤمنین (ع) همیشه می‌کوشید که مردم از مناسبات سلطه‌گرایانه و سلطه‌پذیرانه بیرون آیند و در تمامی عرصه‌ها حضوری واقعی داشته باشند ولی برای این که مردم به صورت اساسی و جدی در امور حکومت نقش ایفا کنند، باید زمینه مناسب آن آماده شود. از این رو امام علی (ع) پیوسته تلاش می‌کرد که با فراهم کردن مناسباتی سالم و به دور از خودکامگی و خودکامگی‌پذیری، مردم را به صحنه‌ی حکومت بکشاند و برای نیل به این هدف از هرگونه رابطه‌ی جبارانه و مستبدانه دوری می‌جست تا مردم با صداقت و صراحت و از سر احساس مسئولیت به مشارکت در امور حکومت بپردازند، حق را به پا دارند، از عدالت پاسداری کنند و بین خود و والیان فاصله‌ای احساس نکنند و به نصیحت زمامداران و خیرخواهی برای آنان بپردازند. (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۱۱۷)

امام علی (ع) به حق مردم در نظارت بر کار حکومت چنین تصریح کردند:

«آگاه باشید که حق شماست بر من که چیزی را از شما مخفی ندارم مگر در مسائل نظامی و امور

دسترسی عمومی تشخیص تخلفات، ناراستی‌ها و بی‌نظمی‌ها را تسهیل می‌کند و به علاوه می‌تواند سطحی از شرمساری عمومی را برای متخلفین ایجاد کند. (نجاززاده اهری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۵۱۴)

با توجه به این که فراگیر شدن امر نظارت در جامعه خود دارای جنبه و خصوصیت بازدارندگی است، لذا با تحقق آن لاجرم افرادی که در سطح دستگاه‌های مختلف به دنبال عبور از قوانین و مقررات هستند، میدان را برای تحرک و تلاش خود محدود خواهند دید و همواره وجود یک نظارت همگانی، نامحسوس و همیشگی را بر اعمال و تصمیمات خود در شرایط گوناگون احساس خواهند کرد و در نتیجه این موضوع باعث می‌شود تا شمار زیادی از تخلفات و جرایم، محل و فرصت بروز پیدا نکنند و عرصه برای این افراد تنگ و تنگ‌تر شود. (اسفندیاری، ۱۳۹۵: ۸۹)

در واقع شفافیت و در دسترس عموم قرار دادن اطلاعات به دو طریق از میزان وقوع فساد مالی توسط کارگزاران حکومت می‌کاهد: اولین عامل بازدارنده، احساس روانی کارگزاران و ترس آن‌ها از قضاوت شدن توسط افکار عمومی در صورت آگاهی یافتن شهروندان از تخلفات آن‌ها است و دوم آن که حتی در صورتی که شخص کارگزار چندان نگران سوء شهرت خویش نباشد زمانی که بداند اطلاع یافتن شهروندان موجب می‌شود که بهای اعمالش را بپردازد، شفافیت موجب می‌شود که عملکرد خود را اصلاح کند. (ساریخانی و روح الله اکرمی، ۱۳۹۲: ۱۰۲)

۶. نتیجه

امور اقتصادی جلوگیری نمود و بلکه می‌توان به آبادانی و رونق جامعه و گسترش عدالت اجتماعی نیز کمک کرد.

۲-۳-۲-۲-۵. بازدارندگی نظارت عمومی

نظارت از یک جهت مستلزم این است که اطلاعات موجود در مؤسّسات عمومی در دسترس افراد جامعه قرار گیرند تا مردم از این طریق توانایی این را داشته باشند که از خود در مقابل حکومت دفاع نمایند و از سوء استفاده‌های احتمالی که حکومت با استفاده از قدرت خود می‌تواند علیه مردم انجام دهد، ممانعت کنند، از جهت دیگر وجود نظارت از بنیاد و از اساس به منظور جلوگیری کردن از سوء استفاده‌های کسانی که مردم برای حکومت بر خود گزیده‌اند، لازم و بلکه ضروری است. در حقیقت، آگاهی و بصیرت ناظر پیش شرط نظارت می‌باشد که در نتیجه‌ی شفافیت حاصل می‌گردد و هر چه که بصیرت عمومی افزایش یابد، بسترها و زمینه‌های سوء مدیریت یا پنهان نمودن سوء مدیریت‌ها از زائل شده یا کاهش می‌یابند. (حقیقی و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۹)

قابلیت دسترسی عمومی می‌تواند موجب تقویت بررسی دقیق شود. چرا که با ایجاد امکان دسترسی به اطلاعات برای عموم جامعه چشمان بیش‌تری می‌توانند بر افشای مالی مسئولین نظارت کنند و بدین ترتیب سازمان‌های جامعه‌ی مدنی می‌توانند به نهاد‌های دولتی در تضمین صداقت و اعتبار داده‌ها کمک کنند. از جهتی در دسترس بودن عمومی می‌تواند بر اثر بازدارنده‌ی سیستم افشا بیفزاید. چرا که هیچ بازدارنده‌ی بهتری از افزایش احتمال دستگیری برای متخلفین و مجرمین وجود ندارد. همچنین

درشت‌ترین مسائل و مراحل گوناگون نظارت، همگی شخصاً توسط مدیر انجام می‌شود.

در نظارت غیر مستقیم نیز مدیر از طریق واسطه‌ای به امر نظارت بر کارگزاران می‌پردازد از این رو به آن نظارت با واسطه نیز گفته می‌شود. امام علی (ع) از سه طریق به نظارت غیر مستقیم بر کارگزاران می‌پرداختند: نظارت غیر مستقیم رسمی که در آن امام، والی یک منطقه را مأمور نظارت و بازرسی می‌کرد، نظارت غیر مستقیم پنهانی و غیر رسمی که خود امام یا والیان ایشان از مأموران مخفی جهت نظارت و بازرسی بهره می‌گرفتند و در نهایت نظارت عمومی که در آن امام علی (ع) به واسطه‌ی گزارش‌های مردمی نیز که به طور مستقیم، حضوری یا مکاتبه‌ای به دست ایشان می‌رسید، از عملکرد مدیران اطلاع می‌یافت. نظارت عمومی که از اساسی‌ترین و مهم‌ترین و بهترین راهکارهای عملی نظارت بر عملکرد حکومت و کارگزاران به شمار می‌رود، در سلامت جامعه تأثیر خیلی به سزایی دارد و امیرالمؤمنین (ع) نیز نه تنها شکل‌گیری زمامداری امور، بلکه سامان یافتن آن را نیز به استقامت مردم وابسته می‌دانست.

حاصل تحقق نظارت عمومی، افزایش بازدهی و کارایی در تمامی سطوح نظام سیاسی، برکت‌های بی‌شمار اجرایی و کاری، افزایش چشم‌های ناظر به فساد کارگزاران، کمک به نهادهای دولتی در تضمین صداقت و اعتبار داده‌ها، تسهیل تشخیص تخلفات، ایجاد سطحی از شرمساری عمومی برای متخلفان، محدود شدن میدان برای متخلفین و افزایش اثر بازدارندگی سیستم افشا از طریق ایجاد

نظارت یعنی نوعی اطلاع و آگاهی از آنچه که در حال وقوع است و به عبارتی دیگر یک مقایسه‌ی ضمنی بین آنچه که هست و آنچه که باید باشد و نیز اطلاع از انجام اموری که در جهت نیل به هدف مطلوب لازم است، می‌باشد. به طور کلی می‌توان نظارت را بنابر دیدگاهی به نظارت درونی و بیرونی تقسیم بندی کرد. امام علی (ع) در سیره‌ی حکومتی خود از هر دو شیوه‌ی مذکور استفاده می‌کردند.

در نظارت درونی یا خود نظارتی، انسان بر خود، افکار و اعمالش نظارت می‌کند و این نظارت از درون فرد می‌جوشد و ناظر همان مجری است و در واقع حالتی در وجود فرد است که موجب می‌شود نسبت به انجام وظایفش متمایل گردد بدون آن که تحت کنترل عاملی خارجی باشد و در نظارت بیرونی نیز که یکی از عناصر اساسی و حیاتی مدیریت در همه‌ی سیستم‌ها است، از سوی شخص یا مقام یا سازمانی بر اعمال شخص یا مقام یا سازمان دیگری نظارت صورت می‌گیرد و ناظر، مجری عملیات نیست و از سطوح دیگر بر عملکرد مجریان نظارت می‌شود. در این شیوه از نظارت حضرت علی (ع) در سیستم اداری خود جهت نظارت بر مدیران از دو شیوه‌ی نظارت مستقیم و نظارت غیر مستقیم استفاده نموده است. به این روش، نظارت ترکیبی اطلاق می‌شود و می‌توان گفت که طراح آن خود حضرت علی (ع) بوده است.

در نظارت مستقیم یا نظارت بی واسطه هیچ‌گونه واسطه‌ای در امر نظارت بر کار دستگاه‌ها و نوع فعالیت‌های آن‌ها وجود ندارد و از ریزترین تا

ترس از قضاوت و هراس از مجازات در متخلفین و مجرمین می‌باشد.

۷. سهم نویسندگان

نویسندگان مقاله به صورت برابر و مشترک مقاله را به رشته تحریر درآورده‌اند.

۸. تضاد منافع

در این مقاله تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

منابع فارسی

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- اخوان کاظمی، بهرام، نظارت در نظام اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱.
- اسفندیاری، خلیل، فساد، «مقابله با فساد و اهمیت راهکار تقویت نظارت فراگیر»، دانش ارزیابی، سال هشتم، شماره بیست و هفتم، ۱۳۹۵.
- اسکندری، محمدحسین، دارابکلایی، اسماعیل، پژوهشی در موضوع قدرت، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳.
- ایزدهی، سید سجّاد، مبانی فقهی نظارت بر قدرت از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران، عروج، ۱۳۹۰.
- بهادری، علی، روابط میان قوا در حقوق اساسی ج.۱.۱ با نگاهی به نظریه کنترل و تعادل قوا، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه امام صادق علیه اسلام، ۱۳۸۹.
- تاج آبادی، رضا، «جایگاه نظارت مردمی و شفافیت در امور در منظر حضرت علی علیه السلام در سلامت جامعه اسلامی»، سومین کنگره بین‌المللی نهج البلاغه راه نجات نهج البلاغه و زیست شرافتمندانه، ۱۴۰۳.
- تقوی دامغانی، سید رضا، نگرشی بر مدیریت اسلامی، چاپ اول، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دایره المعارف حقوق، جلد پنجم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۱.
- جعفری، قاسم، مبانی فکری نظارت شهروندان بر حاکمان (با تاکید بر نظر امام خمینی)، چاپ اول، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی معاونت پژوهشی، ۱۳۸۸.
- جعفریان، رسول، مقالات تاریخی (دفتر هفدهم)، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۷.
- جوان آراسته، حسین، گزینش رهبر و نظارت بر او در نظام جمهوری اسلامی ایران، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.
- حقیقی، مهري، ابدی، سعیدرضا، جلالی، محمد، «مؤلفه‌های جدید نظارت مالی و مبارزه با فساد در دستگاه‌های اداری در سیره علوی»، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال دهم، شماره دوم، ۱۳۹۸.
- خوانساری، جمال الدین، شرح غررالحکم و دررالکلم، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، حکومت حکمت: حکومت در نهج البلاغه، تهران، نشر دریا، ۱۳۷۹.
- دهخدا، علی اکبر، فرهنگ متوسط دهخدا، جلد دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.
- ذاکری، محمد، اسدی، اسماعیل، لطفی، هادی، «تبیین الگوی پاسخگویی و نظارت بر نظام اداری در حکومت علوی از منظر رابطه بوروکراسی و دموکراسی»، فصلنامه رسالت مدیریت دولتی، سال دوم، شماره چهارم، ۱۳۹۰.
- راسخ، محمد، نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۹۰.
- ساریخانی، عادل، اکرمی سراب، روح الله، «کارکردهای پیشگیرانه شفافیت در سیاست جنایی»، مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد و هفتم، شماره هشتاد و دوم-شماره پیاپی ۸۲، ۱۳۹۲.
- عمید زنجانی، عباسعلی، نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
- فیض الاسلام صفهانی، علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، جلد پنجم، تهران، تألیفات فیض الاسلام، ۱۳۷۹.
- قاضی، سید ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران، میزان، ۱۳۸۳.

- قلی‌پور، رحمت الله، «تحلیل رابطه الگوی حکمرانی خوب و فساد اداری»، مدیریت فرهنگ سازمانی، سال سوم، شماره سوم-شماره پیاپی ۱۰۵۹، ۱۳۸۴.
 - مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از اساتید و محققان حوزه علمیه قم، دایره المعارف فقه مقارن، جلد دوم، چاپ اول، قم، انتشارات امام علی بن ابیطالب علیه السلام، ۱۳۸۵.
 - مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از اساتید و محققان حوزه علمیه قم، دایره المعارف فقه مقارن، جلد دوم، چاپ اول، قم، انتشارات امام علی بن ابیطالب علیه السلام، ۱۳۸۹.
 - ملک‌زاده، محمد، سیره سیاسی معصومان (ع) در عصر حاکمیت، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۶.
 - منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی (دراسات فی ولایه الفقیهیه و فقه الدوله الاسلامیه)، ترجمه محمود صلواتی، جلد چهارم، چاپ اول، قم، کیهان، ۱۳۶۷.
 - موحدی محب، عبدالله، جهانگیری، مهری، «سیستم نظارت بر مدیران در مدیریت علوی با تأکید بر نهج البلاغه»، یادنامه هفدهمین کنگره نهج البلاغه: کتاب اول: مجموعه مقالات هفدهمین کنگره بین المللی، یزد، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۹۵.
 - نبوی، محمدحسین، مدیریت اسلامی، چاپ چهارم، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
 - نجارزاده اهری، حجت، اردبیلی، محمدعلی، مهرا، نسرين، مهدوی ثابت، محمدعلی، «پیشگیری از فساد مالی در پرتو نظارت بر اموال و دارایی کارگزاران عمومی»، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتاد و چهارم، شماره صد و دهم، ۱۳۹۹.
 - نفیسی، علی اکبر، فرهنگ نفیسی، جلد پنجم، تهران، کتابفروشی خیام، ۱۳۴۳.
 - نیاقی، امید و نجابت خواه، مرتضی، «سازوکارهای نظارت مشارکتی بر عملکرد دولت در راستای دستیابی
 - به اهداف توسعه پایدار»، مجله مطالعات حقوقی، سال چهاردهم، شماره دوم، ۱۴۰۱.
 - هاشمی، محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۱.
- منابع عربی**
- آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم (تصحیح رجایی)، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۳۶۸.
 - شوشتری، قاضی نورالله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، جلد هشتم، قم، مکتبه آیت الله المرعشی نجفی، ۱۴۰۹ق.
 - شیبانی، احمد، فضائل الصحابه، جلد اول، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۳ق.
 - قرشی، شیخ باقر شریف، موضوعه الامام امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه السلام، جلد دهم، قم، مؤسسه الکوثر للمعارف الاسلامیه، ۱۴۲۹ق.
 - کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (الاسلامیه)، جلد پنجم، چاپ پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ق.
 - مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، جلد صدم، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
 - نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، جلد سیزدهم، چاپ اول، بیروت، مؤسسه آل بیت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
 - یعقوبی، احمد، تاریخ یعقوبی، جلد دوم، تهران، دار صادر، بی تا.
- سایت‌های اینترنتی**
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، فرمان هشت ماده‌ای به سران قوا درباره مبارزه با فساد اقتصادی، آخرین مراجعه ۱۴۰۴/۵/۲۹ (<https://khl.ink/f/3062>).

